

شکار هیولا

رمان نوجوان شکار هیولا داستان مهمترین و پیشرفته‌ترین پهپاد آمریکایی با نام با اسم مستعار هیولا است؛ از زمانی که تولید شد تا زمانی که به خاطر مأموریتی سری وارد ایران و توسط نیروهای ایرانی شکار شد. در این داستان، خود آرکیو ۱۷۰ از زبان خودش این ماجرا را برای نوجوانان تعریف می‌کند.

بخشی از متن کتاب:

چشم‌هایم را باز کردم. همه جا ساکت بود. به اطرافم چشم دو اندم. درون یک آشیانه بزرگ و ساکت با کناره‌های تاریک بودم. هیچ نوری از بیرون نمی‌تابید. فضا را با چراغ‌های متعددی روی سقف، روشن کرده بودند.

خواستم حرکت کنم اما نتوانستم. چرخ‌هایم را با زنجیرهای

”

خواستم حرکت کنم اما نتوانستم. چرخ‌هایم را با زنجیرهای ضخیمی به یک حلقه بسیار کلفت فولادی که از زمین بیرون آمده بود، بسته بودند. تعداد زیادی کابل هم به بدنم وصل شده بود. وضعیتم درست مثل فیلم‌هایی بود که قبلاً دیده بودم. اینجا شکنجه‌گاه ایرانی‌ها بود و حتماً بزودی شکنجه‌شان را شروع می‌کردند. ناگهان در سوله با صدای بلندی باز شد. نور خیلی زیادی به داخل سوله دوید و چشمانم را زد. چشم‌هایم را تند تند باز و بسته کردم. تابه‌نور عادت کردم هیکل بزرگ و نحس قاهر را دیدم که جلویم ایستاده بود. سلام

جوابش را ندادم. برای اولین بار بود که می‌توانستم قیافه قاهر را ببینم. با اینکه هنوز بدنه‌اش به رنگ سیاه بود اما دیگر خبری از آن سیاهی مطلق نبود و می‌شد اجزای دماغه و بدنه و بال‌هایش را تشخیص داد. حدس زدم آن سیاهی مطلق، یک نوع پوشش جنگی برای قاهر است که در مواقع عملیات هوایی روی پوسته‌اش ایجاد می‌شود تا هیچ دوربینی نتواند تصویر او را ثبت کند.

دفتر نشر معارف

ناشر

محمد سرشار

نویسنده

